



Research Paper

The Al-Baghdadi's Caliphate in the capital of Ashurbanipal: the Regeneration of Assyrian brutality from womb of Daesh

Iraj Rezaei^{*1}¹ Ph.D. Tehran University

10.22080/jiar.2022.23097.1026

Received:

May/01/2025

Revised:

Jun/17/2025

Accepted:

Aug /05/2025

Keywords:

Daesh (ISIS), Iraq, Mosul, Nineveh, Assyria

Abstract

In recent years, the world has encountered a new great crisis called “the Islamic State of Iraq and Syria”, ISIS or “Daesh”. Undoubtedly one of the most important and influential factors for Daesh unexpected military successes, are using uncommon terrorism and war crimes. Apart from daily political analyses, The most notable topic for author is the strange similarity between Daesh's brutal Military style and war's method of the Neo-Assyrian state; an ancient government that ruled over Mosul and its surrounding areas for several centuries from the beginning of the first millennium B.C and according to historical documents none of the ethnic groups in the region had been safe from its assaults and Harassment. In this research, we have tried to adopt various historical and archaeological evidences with events of recently years and restore undisputed Similarity between Daesh Military methods with terrible war style of ancient Assyrians. Some of the ancient Assyrians actions, which are being implemented today by Daesh consist of: Forcible entry, looting and plundering, torture and humiliation, forced migration, captivity and enslavement, sexual violence and rape to women, the genocide and mass murder of ethnic and religious groups, and the extensive destruction of religious and historical monuments. The result of this study shows that the commission of such actions by the Assyrians led to the gradual formation of a revolutionary core among other nations, and ultimately led to overthrow and everlasting collapse them, a similar fate that has been foreseen for the ISIS from the very beginning too.

***Corresponding Author:** Iraj Rezaei**Address:** Ph.D. Tehran University**Email:** iraj.rezaie@ut.ac.ir**Tel:** 09356123004



نوع مقاله: پژوهشی

خلافت «البغدادی» در پایتخت «آشوربانی‌پال»؛ باززاییِ ددمنشی شاهان آشوری از بطن داعش

ایرج رضائی*

دکترای تخصصی، دانشگاه تهران



10.22080/jiar.2022.23097.1026

چکیده

در سال‌های اخیر جهان با بحران بزرگی به نام «دولت اسلامی عراق و شام» یا همان داعش روبه‌رو بوده است. بی‌تردید یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در موفقیت نظامی زود هنگام و دور از انتظار داعش، دهشت‌آفرینی و ارتکاب فجایع جنگی کم‌سابقه‌ای است که این گروه برای دستیابی به اهداف خود از آن بهره برده است. صرف‌نظر از تحلیل‌های سیاسی روزمره، در این میان آنچه که برای نگارنده قابل‌تأمل می‌نماید، شباهت شگفت‌انگیز شیوه‌ی جنگی سبوعانه‌ی داعش به سپاهیان دوران امپراتوری آشور نو است؛ حکومتی که از ابتدای هزاره‌ی اول پ.م. به مدت چندین قرن بر همین منطقه‌ی موصل و اطراف آن تسلط داشت و به گواهی اسناد تاریخی تقریباً هیچ‌یک از ملت‌ها و اقوام ساکن در منطقه از تعرضات، تجاوزها و آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن در امان نماندند. در نوشتار پیش رو تلاش شده تا با استناد به متون تاریخی و مدارک باستان‌شناسی، صحنه‌های حیرت‌آوری از شباهت تاکتیک جنگی داعش و آشوری‌های باستان بازسازی شود. برخی از اقدامات آشوریان باستان که امروزه بی‌کم‌وکاست توسط داعش اجرا می‌شود؛ عبارت‌اند از: تصرف عدوانی، غارت و زورگیری، شکنجه و تحقیر، کوچاندن اجباری، اسارت و به بردگی گرفتن، خشونت جنسی و هتک حرمت زنان، نسل‌کشی، نسل‌زدایی و کشتار دسته‌جمعی گروه‌های قومی و مذهبی غیرخودی و تخریب گسترده‌ی بناهای تاریخی و مذهبی. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که ارتکاب پیاپی چنین اعمالی توسط آشوری‌های باستان منجر به شکل‌گیری تدریجی یک هسته‌ی مقاومت شدید در میان دیگر ملت‌های منطقه و در نهایت طغیان آن‌ها و براندازی و سقوط ابدی دولت آشور شد؛ سرنوشت مشابهی که از همان ابتدا برای گروه داعش نیز قابل پیش‌بینی بوده است.

دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۱۱

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۲۷

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۱۴

کلیدواژه‌ها:

داعش، عراق، موصل، نینوا، آشور.

* نویسنده مسئول: ایرج رضائی

آدرس: دکترای تخصصی، دانشگاه تهران

ایمیل: iraj.rezaie@ut.ac.ir

تلفن: ۰۹۳۵۶۱۲۳۰۰۴

۱ مقدمه

در تاریخ ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۱۳۹۳)، رسانه‌های جهان خبر از تصرف شهر راهبردی موصل، توسط یک گروه کم‌نام‌ونشان موسوم به «داعش» دادند. این رویداد که آغاز دور تازه‌ای از ناآرامی‌ها در کشور بحران‌زده‌ی عراق بود، چنان برق‌آسا و غافلگیرکننده به وقوع پیوست که شوک اولیه‌ی حاصل از آن بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی جهان را شگفت‌زده کرد. گروه داعش یا «دولت اسلامی عراق و شام» که بعدها به «دولت اسلامی» تغییر نام داد، پیش از آن در پی بحران سوریه توانسته بود در جنگ همزمان علیه دولت مرکزی و دیگر گروه‌های مخالف به موفقیت‌های نظامی

قابل‌توجهی دست یابد (پورحسین و اخباری، ۱۳۹۸: ۳۲-۳۳)؛ اما تصرف شهر راهبردی، تاریخی و بزرگ موصل در شمال عراق را می‌توان نقطه‌ی عطفی در کارنامه‌ی داعش تلقی کرد. مدت کوتاهی پس از تصرف موصل، این گروه در یک بیانیه‌ی رسمی «ابوبکر البغدادی»، سرکرده‌ی خود را در حکم خلیفه‌ی مسلمین معرفی کرد و مسلمانان جهان را به بیعت با وی فرا خواند (ساوه‌درودی، ۱۳۹۳: ۹۵؛ بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷). پس از آن بود که گرایش‌های افراطی و ماهیت بالقوه خطرناک داعش به سبب ارتکاب جرایم جنگی کم‌سابقه بر همگان آشکار شد و زنگ خطری را برای کل جامعه‌ی جهانی به صدا درآورد.



شکل ۱ موقعیت نینوا، نمرود، آشور و خورس‌آباد، چهار شهر اصلی و مهم دولت باستانی آشور که امروزه در محدوده‌ی استان نینوا به مرکزیت شهر موصل قرار دارند؛ شهری که مهم‌ترین مرکز داعش از تابستان ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ بوده است. محوطه‌های باستانی با علامت مثلث و شهرها با علامت دایره مشخص شده است (برگرفته از گوگل ارث).

یادآور رفتار غیرمتمدنانه و خشونت لجام‌گسیخته‌ی حکومت باستانی آشور در ستیز با دیگر ملل هم‌جوار بوده است. دو پرسش اصلی این مقاله عبارت‌اند از:

فرض ما بر آن است که ماهیت خشن و افراطی داعش تنها مورد از این دست در تاریخ مکتوب بشری نبوده است. صرف‌نظر از تحلیل‌های سیاسی روزمره، نگرانه‌ی این نوشتار بر این باور است که رفتار ددمنشانه‌ی گروه داعش در بسیاری از جزئیات،



به‌دلایل متعددی در طول تاریخ حیات خود، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، نقش کلیدی و مهمی در معادلات سیاسی و نظامی شمال بین‌النهرین، عراق کنونی داشته است. با این حال، بررسی پیشینه‌ی تاریخی موصل نشان می‌دهد که این ناحیه در دوران استیلای دولت باستانی آشور از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا ناحیه‌ی موصل امروزی و نقاط اطراف آن، بیش از هزار سال، خانه و مرکز امن حکومتی قوم مذکور بوده است؛ ناحیه‌ای که تا چندی پیش جولانگاه و قلب تپنده‌ی داعش به شمار می‌آمد. امروزه موزه‌ی فضای باز نینوا، پایتخت باستانی آخرین پادشاهان آشوری، چون سنخریب و آشوربانیپال (۶۲۷-۶۶۸ پ.م.)، در یک کیلومتری شرق رود دجله، در محدوده‌ی شهر موصل قرار دارد. علاوه بر نینوا بقایای دیگر شهرهای اصلی و بسیار مهم سرزمین آشور باستان چون کلخو (نمرود)، آشور و دور-شروکین هم در نزدیکی شهر موصل امروزی واقع شده است (شکل ۱ و ۲).

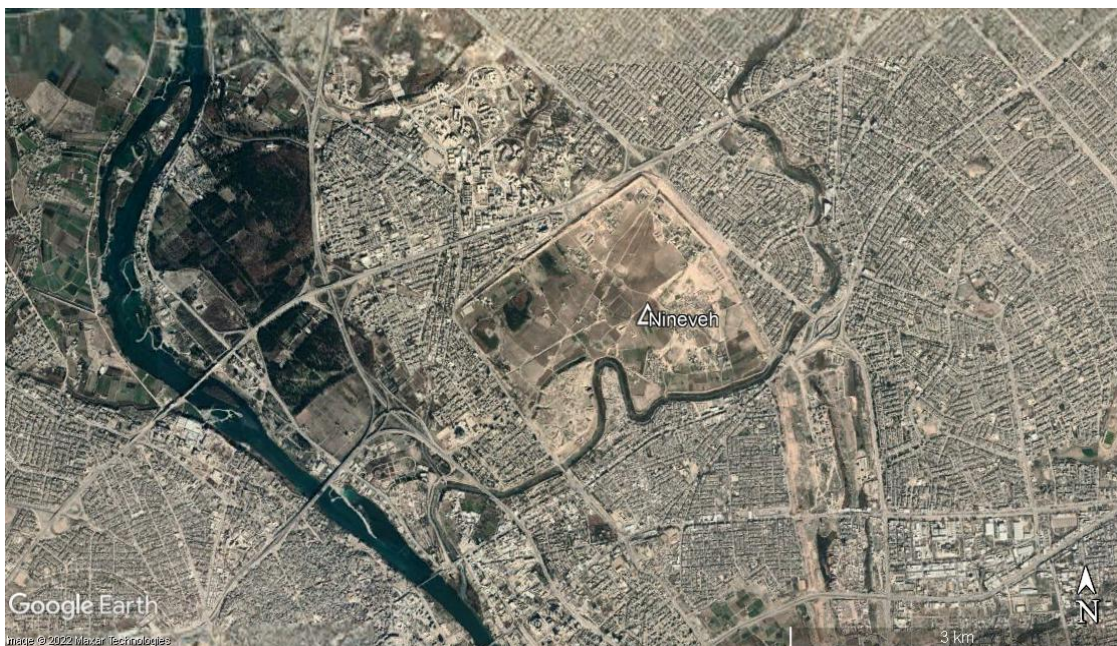
۱. کدام نوع ویژگی‌های رفتاری خشونت‌بار، داعش را بیشتر از هر گروه دیگری در تاریخ به آشوریان باستان نزدیک می‌کند؟

۲. چرا به نظر می‌رسد که داعش و گروه‌هایی از این دست، در مسیر تکرار تاریخ، چاره‌ای جز تجربه‌ی تلخ سرنوشت آشوریان باستان نخواهد داشت؟

بر همین اساس، در این پژوهش تلاش شده است تا با اتکا به شواهد و مدارک تاریخی و باستان‌شناسی، به مقایسه‌ی رفتار داعش و آشوریان باستان، در مواردی چون جنگ روانی، خشونت، غارت، هتک حرمت زنان، سوزاندن و کشتن یا مثله کردن مردمان شکست‌خورده پرداخته شود.

۲ خلافت البغدادی در پایتخت باستانی پادشاهان آشور

شهر موصل، مرکز استان نینوا، که امروزه دومین شهر بزرگ عراق پس از بغداد به شمار می‌رود،



شکل ۲ بقایای کاخ‌های شاهان آشوری در شهر باستانی نینوا، در ساحل شرقی رود دجله، در داخل شهر امروزی موصل (برگرفته گوگل ارث).



۳ بحث: خشونت بی حدومرز و افراط‌گرایی نقطه‌ی اشتراک اصلی آشور و داعش

در اینجا منظور از خشونت، درنده‌خویی و ارتکاب اعمال ددمنشانه و غیرانسانی در شکل افراطی و شنیع آن است. استفاده از خشونت لجام‌گسیخته در حکم يك سلاح بازدارنده براي درهم‌شکستن هسته‌های احتمالي هرگونه مقاومت، مهم‌ترین وجه مشترک داعش و آشور به شمار می‌رود. مهم‌ترین اشکال خشونت غیرمعارف که دولت باستانی آشور و گروه داعش مرتکب شده‌اند، به شرح ذیل است:

۳/۱ اکتشار دسته‌جمعی و نسل‌کشی

مستندات تاریخی و شواهد باستان‌شناختی جملگی حکایت از آن دارد که آشوریان شاید بیش از هر قوم باستانی دیگری از راه یورش‌های نظامی تجاوزکارانه، لشکرکشی و جنگ، زندگی خود را تأمین می‌کردند و اغلب اوقات با مردمان مغلوب با چنان ستمگری و خشونتی رفتار می‌کردند که در تاریخ بشری تقریباً بی‌مانند بوده است (ناردو، ۱۳۸۱: ۱۲). آشوری‌ها پس از تصرف شهرها، اقدام به غارت و آتش زدن خانه‌ها، هتک حرمت و تجاوز به زنان، سوزاندن بچه‌ها و کشتن یا ناقص کردن مردان می‌کردند. سپس اجساد قربانیان یا سرهای آن‌ها بر دارهایی بر فراز دیوار شهرها آویزان می‌شد، یا دستان، بینی، لب‌ها یا سرهای بریده‌شده آن‌ها در معرض دیدگان دیگران قرار می‌گرفت (Bertman, 2003: 268). گاهی نیز اجساد قربانیان را به قطعات کوچکی تقسیم و خوراک سگ‌ها، خوک‌ها و کرکس‌ها می‌کردند (Ibid).

درواقع، اطلاق صفت «درنده‌خو» به آشوری‌ها، صرفاً یک ادعای امروزی یا چسباندن یک نسبت ناروا به آن‌ها نیست؛ زیرا خود آشوری‌ها بارها در نقش‌برجسته‌ها و کتیبه‌های پرشمارشان به ارتکاب خشونت افراطی و غیرمعارف و قتل‌عام گسترده و اکتشار دسته‌جمعی قومیت‌ها و ملت‌های دیگر

اذعان کرده‌اند. آشورنصیرپال (۸۵۹-۸۸۳ پ.م) پادشاه آشوری که خود را «لگدمال کننده‌ی همه‌ی دشمنان» می‌خواند، در شرح یکی از لشکرکشی‌های خود نوشته است: «شهر را تسخیر کردم، ۳۰۰۰ تن از جنگجویان آن را از دم تیغ گذراندم، بسیاری از اسرای آن‌ها را در آتش سوزاندم و بسیاری را زنده به اسارت گرفتم. دست‌ها و انگشتان برخی از آن‌ها را قطع کردم و بینی، گوش‌ها و اندام عده‌ای دیگر را بریدم. چشم‌های بسیاری از آن‌ها را درآوردم. از بدن‌ها پشته‌ای ساختم و از سرها پشته‌ای دیگر. سرهای آن‌ها را در اطراف شهر به درختان آویختم. مردان جوان و دوشیزگان آن‌ها را در آتش سوزاندم، شهر را به تاراج برده و ویران کرده و به آتش کشیدم و سوزاندم» (RIMAP II, A.O.101.1: i115-ii1). در کتیبه‌های سارگن هم کاربرد عباراتی چون «من پیر و جوان آن‌ها را از دم تیغ گذراندم»، یا «نه پیر و نه جوان آن‌ها را یارای گریز نبود و سربازان من همه را از دم تیغ گذراندند»، متداول است (Frame 2021: 1.117b-120a; 1:377b-379a).

نمونه‌ای دیگر از خشونت کم‌نظیر و پاک‌سازی قومی توسط آشوری‌ها، در شرح آشوربانی‌پال از حمله به عیلام دیده می‌شود: «من سرزمین عیلام را ویران کردم و بر خاک آن نمک پاشیدم. دختران، خواهران و خانواده‌ی شاهان پیشین و پسین سرزمین عیلام.... مردم آنجا اعم از زن و مرد و پیر و جوان همه را به آشور بردم.... کشتزارهای آنجا را از صدای آرام‌بخش انسان‌ها، صدای سُم گاوها و گوسفندان و بزها و آوازهای دلنشین کارگران محروم ساختم» (RINAP 5/1, 9: v 49-71). در یک نقش‌برجسته‌ی مفصل که به شرح جزئیات همین لشکرکشی می‌پردازد، سربازان آشوری در صحنه‌های متعددی در حال بریدن سر عیلامی‌ها دیده می‌شوند. این سرها پس از جمع‌آوری، توسط کاتبان سرشماری می‌شدند و سربازان آشوری در ازای تعداد سرباهایی که تحویل می‌دادند، پاداش دریافت می‌کردند (شکل ۳).



شکل ۳ دو صحنه از نبرد تیل-توبا، راست؛ سربازان آشوری که سر بریده‌ی عیلامی‌ها را حمل می‌کنند تا آن را به کاتبان آشوری تحویل بدهند (<http://www.britishmuseum.org/collection/image/1613488808>). چپ؛ یک سرباز آشوری در ازای تحویل پنج سر بریده که آن‌ها را در کنار پاهایش روی هم چیده است، یک دستبند به‌عنوان پاداش دریافت می‌کند (<http://www.britishmuseum.org/collection/image/324540001>).

باقی‌مانده بر روی اسکلت قربانیان، رفتار خشونت‌آمیز آشوری‌ها را تأیید می‌کند (Cohen, 2015). باستان‌شناسان معتقداند که وجود لایه‌ی سوخته به همراه نشانه‌هایی از آتش‌سوزی و تخریب در برخی تپه‌های مناطق غربی ایران، نشان از هجومی گسترده دارد که احتمالاً مسبب آن لشکرکشی آشوری‌ها بوده است (زارعی، ۱۳۸۲: ۴۸). ممکن است چنین ادعا شود که آشوری‌ها اگر شرافتمندتر از دیگر ملل نبوده‌اند، درنده‌تر از آن‌ها هم نبوده‌اند، اما هنر آشور آشکارا بیانگر آن است که آن‌ها حقیقتاً از درد و رنج دیگران لذت می‌بردند که مشابه آن هرگز به این شکل در هنر ملل دیگر دیده نمی‌شود (Bertman, 2003: 222).

در سنگ‌نگاره‌های کاخ‌های آشوری، سربازان آشوری به‌صورت پیاپی در حال قطع عضو (عمدتاً قطع دست)، کندن پوست، بریدن سر، دار زدن و سوزاندن قربانیان مشاهده می‌شوند (Cohen, 2015: 265). در این نقوش سربازان و رهبران دشمن را می‌توان دید که سینه‌هایشان از روی قساوت با نیزه سوراخ شده، گلولی آن‌ها با شمشیر بریده شده، بدن‌های مجروح آن‌ها بر میخ‌های چوبی بلند آویخته شده یا به‌سمت زمین پرتاب شده‌اند و یا زنده‌زنده در مقابل چشمان فرزندانشان پوست کنده شده‌اند. در تمام این صحنه‌ها توجه دقیقی به نشان دادن جزئیات واقعی کار شده است (Bertman, 2003: 221). برخی شواهد باستان‌شناختی ازجمله آثار



شکل ۴ راست؛ حمله‌ی آشوری‌ها به یک شهر برج و بارودار که در آن گروهی به نشانه‌ی تسلیم دست‌های خود را بر فراز برج‌ها بالا برده‌اند، درحالی‌که افرادی از بالای برج به پایین پرتاب شده‌اند و یک آشوری هم در پایین صحنه در حال بریدن سر شخصی است (http://www.britishmuseum.org/collection/image/857588001)، چپ؛ نقش برجسته‌ی آشوری که در آن مغلوبین به تیرک کشیده شده‌اند (http://www.britishmuseum.org/collection/image/359774001).

آدم‌ربایی، تجاوز و دیگر شکل‌های خشونت جنسی و فیزیکی علیه زنان و کودکان، به‌کارگیری اجباری کودکان، نابودی و تخریب اماکن مذهبی و فرهنگی و چپاول و غارت اموال شهروندان می‌شود (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

ازجمله نمونه‌های قابل‌ذکر و ثبت‌شده‌ی کشتار دسته‌جمعی توسط داعش می‌توان به قتل‌عام صدها مرد ایزدی به‌دلیل امتناع آن‌ها از گرویدن به دین اسلام، قتل‌عام زنان مُسن که در مؤسسه‌ی فنی سولاق نگهداری می‌شدند (ساعدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۲۳)، قتل‌عام ۶۷۰ زندانی شیعه در موصل، سربردن ۲۱ کارگر مسیحی قبطی مصری، سربردن بیش از هفت هزار شیعه، قتل‌عام ۱۷۰۰ دانشجوی غیرمسلح شیعه در پایگاه هوایی اسپایکر عراق (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۰ و ۲۱۴) اشاره نمود. برخی مرگ‌ومیرهای دسته‌جمعی دیگر نیز نتیجه‌ی اقدامات داعش گزارش شده است؛ ازجمله مرگ بیش از هزار کودک ایزدی که به‌دلیل کمبود غذا، دارو و آب و قرار گرفتن در زیر نور آفتاب سوزان تابستان، هنگام محاصره‌ی کوهستان سنجار

آنچه که داعش را به دولت آشور پیوند می‌دهد، لذتی است که هر دو گروه آگاهانه از ارتکاب درنده‌خویی و قتل‌عام بی‌رحمانه‌ی انسان‌ها می‌برند. از نظر نحوه و کاربرد اهرم خشونت، داعش حتی با دیگر گروه‌های تروریستی معاصر خود همچون القاعده نیز قابل‌مقایسه نیست؛ زیرا برخلاف القاعده که معتقد است کاربرد خشونت و زور باید متناسب با شرایط و موارد آن باشد، داعش برای کاربرد خشونت، هیچ حد و مرزی قائل نیست (صالحی و مرادی‌نیاز، ۱۳۹۵: ۶-۱۰۵). درباره‌ی کشتارهای دسته‌جمعی داعش که با هدف ارباب و حذف گسترده‌ی مخالفان و عبرت‌آموزی دیگران صورت گرفته، مدارک بسیار زیادی از جانب سازمان‌های مدافع حقوق بشری، شاهدان عینی و قربانیان و بازماندگان خشونت داعش منتشر شده و هر روز نیز موارد بیشتری به این بایگانی افزوده می‌شود. در گزارش سازمان ملل آمده است که خشونت داعش شامل حمله‌ی مستقیم به غیرنظامیان، هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی، اعدام و قتل هدفمند غیرنظامیان،

شکنجه‌ی مخالفان بوده است (see Radner, 2015). روش «به میخ کشیدن» یا «چوب در ماتحت کسی کردن» عبارت بود از نشان دادن اسیران جنگی بر روی تیرک‌های چوبی بلند و نوک‌تیز (ن.ک عابدی و عباسلو، ۱۳۹۹: ۴۹)، که یکی از شنیع‌ترین انواع مجازات به شمار می‌رفت (شکل‌های ۴ و ۵).^۲ از این روش عذاب‌آور اغلب علیه غیرآشوری‌ها، به‌ویژه هنگام محاصره‌ی شهرها استفاده می‌شد (Radner, 2015: 104). آشورنصیرپال گفته است: «من ۷۰۰ سرباز را در مقابل دروازه‌ی شهر پیتورا بر تیرک نشاندم» (RIMAP II, A.O.101.1: ii 109). گاهی شکنجه‌های اعمال‌شده از جانب آشوری‌ها شکل عجیب و سادیسم‌گونه می‌یابد؛ برای مثال، سارگن دوم در یک کتیبه گفته است: «من پاهای بریده‌شده‌ی او را در آتش انداختم!» (Frame 2021: 65.303).

(شنگال) توسط داعش جان سپردند (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۰۸). برخی جنبه‌های جنایات داعش تنها با گذشت زمان و استفاده از دانش‌ها و تخصص‌های امروزی نظیر باستان‌شناسی جنایی با هدف کشف و شناسایی گورهای دسته‌جمعی بر همگان آشکار خواهد شد (ن.ک موسوی و تقوی، ۱۳۹۷). داعش علاوه بر ارتکاب کشتار جمعی، در مواردی هم متهم به جنایت نسل‌کشی^۱ به‌ویژه در مورد اقلیت ایزدی شده است (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۰۷-۸).

۳،۲ شکنجه و تحقیر

هم آشوریان باستان و هم داعش در به‌کارگیری انواع شکنجه‌های شدید جسمی و روحی و تحقیر مخالفان از سرآمدان روزگار خود بوده‌اند. پوست کندن و به میخ کشیدن، دو شیوه‌ی رایج آشوری‌ها برای اعدام و



شکل ۵ نقش روی دروازه‌ی مغربی بالوات که سربازان آشوری را در حال بریدن دست و پای مغلوبین نشان می‌دهد؛ درحالی که شخص دیگری به شکل فجیعی به نوک تیرکی نشانده شده و تعدادی سر بریده از دروازه‌های شهر آویزان است (http://www.britishmuseum.org/collection/image/15845001).

معنی باشد. ستاک uzma در این واژه که به معنی «چوبه‌ی مرگ» معنی شده است (ن.ک: عابدی و عباسلو، ۱۳۹۹: ۴۹)، احتمالاً همان است که امروزه در زبان کردی به‌صورت زمه (zema) (هزار، ۱۳۷۶: ۳۸۱) و در زبان فارسی به شکل «سنبه» متحول شده است.

^۱ منظور از نسل‌کشی، کشتار به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است (همان-جا).

^۲ واژه‌ی آشوری برای این نوع مجازات، زَقاپو (zaqāpu) است (THD21: 51). به نظر می‌رسد که واژه‌ی پارسی باستان uzmayāpati که در کتیبه‌ی بیستون به‌کار رفته نیز به همین

کتیبه‌های آشوری انواع تحقیر و توهین‌های کلامی نیز دیده می‌شود؛ برای مثال، سارگن دوم در یک کتیبه می‌گوید: «من مردم او را همچون گله‌ی گوسفند و بز تلقی کردم» (Frame 2021: 1.208b) یا «زندانیان مانند گاو توزیع شدند» یا «بقیه‌ی آن‌ها را مانند گوسفند بین مراکز تقسیم کردم» (Ponchia, 2017: 161).

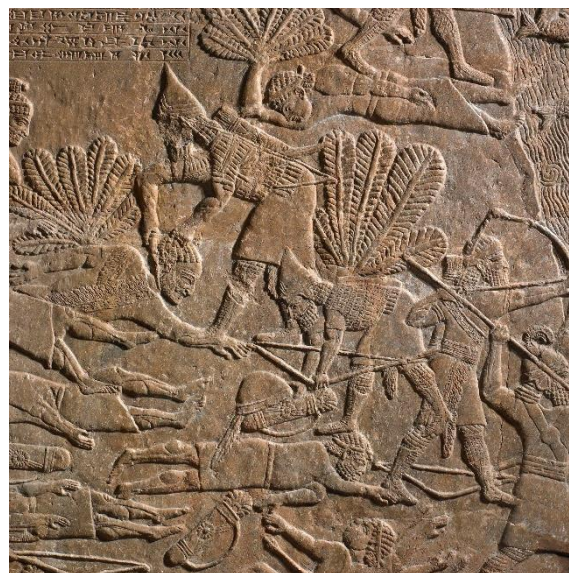
علاوه بر شکنجه‌های جسمی و فیزیکی، انواع شکنجه‌های روحی و تحقیرآمیز نیز توسط آشوری‌ها به‌ویژه درمورد اسرا اعمال می‌شد. در نقش‌برجسته‌ی روی دروازه‌ی مفرغی بالوات مربوط به زمان شلمنصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ پ.م.)، جمع کثیری از مردان احتمالاً به قصد تحقیر آن‌ها برهنه و دست‌بسته نشان داده شده‌اند (شکل ۸). در



شکل ۶ راست؛ نقش‌برجسته از کاخ آشوربانی‌پال با موضوع نبرد آشور و عیلام که در آن آشوری‌ها شاهزادگان عیلامی اسیر را مجبور می‌کنند که استخوان اجداد خود را با استفاده از آسیاب‌های دستی خرد کنند! (<http://www.britishmuseum.org/collection/image/324949001>).

سنت بریدن سر اسیران و گروگان‌های دشمن توسط «ابومصعب زرقاوی» از بنیان‌گذاران اولیه‌ی تفکر داعش پایه‌گذاری شد تا از این راه ترس و وحشت را در جان دشمنان خود اندازد (Riedel, 2008: 100). قربانیان داعش قبل از قتل، عمدتاً در معرض رنج روحی قرار گرفته‌اند (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۱). این درحالی است که امروزه منع شکنجه از قواعد اساسی و مهم حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌شمار می‌رود (همان‌جا).

تاکنون ویدیوهای تبلیغاتی متعددی از سوی این گروه منتشر شده که در آن‌ها انواع مختلف اعدام به شیوه‌های نامعمول مانند بریدن سر، منفجر کردن، به صلیب کشیدن، سوزاندن، کباب کردن، شلیک به سر، غرق کردن افراد زیر آب با هدف ایجاد ترس و وحشت و تحقیر افراد به نمایش در آمده است (عراقچی و جوزانی کهن، ۱۳۹۶: ۱۵۵ و ۱۶۳). در بسیاری از ویدیوها و تصاویر منتشرشده، اعضای داعش به شیوه‌ی آشوریان باستان، سر و اعضای بدن گروگان‌های خود را از تن جدا می‌کنند (شکل ۷).



شکل ۷ راست؛ یک سرباز آشوری را در میان انبوهی از کشتگان در حال بریدن سر یک عیلامی نشان می‌دهد
(<http://www.britishmuseum.org/collection/image/356952001>)، چپ؛ صحنه‌ای از یک ویدیوی منتشرشده از سوی داعش که اعضای این گروه را لحظاتی پیش از بریدن سر گروگان‌های مسیحی نشان می‌دهد (خاتونی و دیگران، ۱۳۹۵: قاب ۴).

در نقطه‌ی مقابل، غارت منابع ملی عراق و سوریه و فروش آن به صورت قاچاق توسط داعش باعث شد که شورای امنیت ملل متحد در سال ۲۰۱۵ قطعنامه‌ای تصویب کند که در آن از دولت‌های عضو خواسته شد برای جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه از طریق تجارت نفت، قاچاق اموال باستانی و فروش گروگان‌ها، اقدامات مؤثری اتخاذ کنند (نماین، ۱۳۹۴: ۱۸۱). اعمال مجرمانه‌ی داعش صرفاً محدود به غارت منابع ملی و عمومی نبوده است و اموال شخصی شهروندان را نیز شامل می‌شده است. در گزارش‌های منتشر شده آمده است که داعش پس از شناسایی خانه‌های مسیحیان و شیعیان ناحیه‌ی موصل، آن‌ها را به ترتیب با حروف «ن» و «ر» به نشانه‌ی «ناصری» و «رافضی» علامت‌گذاری کرده، سپس اقدام به مصادره‌ی آن کرده است (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

۳،۳ غارت و زورگیری

یکی از اهداف اصلی لشکرکشی‌های پیاپی شاهان آشوری در طول صدها سال، غارت منابع مالی و اقتصادی سرزمین‌ها و ملل همسایه از راه چپاول و زورگیری بوده است. در تمام کتیبه‌هایی که به شرح لشکرکشی آشوری‌ها می‌پردازند، فهرست مفصلی از خراج و غنایم جنگی با ذکر جزئیات آماری آن‌ها ارائه شده است. غنایم جنگی اغلب شامل مجموعه‌ی متنوعی متشکل از جمعیت انسانی، گله‌های حیوانات اهلی (گاو، گوسفند، بز، اسب، قاطر، شتر)، منابع خام، فلزات و سنگ‌های قیمتی (طلا، نقره، آهن، مس، لاجورد، عاج...) بود (برای نمونه ن.ک: RIMAP III, A.O.103.1: iii16; Frame 201: 1.160). گاهی آشوری‌ها برای تسهیل کار و کاهش هزینه‌های لشکرکشی، حکمرانان دست‌نشانده‌ی را بر سرزمین‌های فتح‌شده می‌گماشتند که ارسال خراج سالیانه به آشور در زمره‌ی وظایف اصلی این حکمرانان قرار داشت (Radner, 2013).



۳/۴ کوچاندن اجباری

از دیگر اقدامات مخرب آشوری‌ها، تبعید و کوچاندن اجباری گروه‌های قومی و مذهبی مختلف از سرزمین‌هایشان بوده است. از آغاز قرن سیزدهم پ.م. آشوری‌ها مردمان شکست‌خورده را به منظور پیشگیری از شورش دوباره به جاهای دیگر تبعید می‌کردند (Bertman, 2003: 268). در کتیبه‌های شاهان آشوری، موارد متعددی از کوچاندن اجباری اقوام مختلف توسط آشوری‌ها بازگو شده است (برای نمونه ن.ک: Frame 2021: 1.76a; 2.451b; 7.3; 7.138; 74.v69; 84.14). سارگن پس از تسخیر شهر خرخار در غرب ایران امروزی، درباره‌ی سرنوشت شهر مذکور گفته است: «من در اینجا مردمان سرزمین‌های دیگری را که تسخیر کرده بودم، اسکان دادم» (Frame 2021: 7.63) و یا در کتیبه‌ی دیگری می‌گوید: «من تمام مردم سرزمین او را... ۹۰۵۸۰ نفر... به‌عنوان غنیمت جنگی انتقال دادم» (Frame 2021: 2.394b).

درواقع، هدف اصلی شاهان آشوری از این جابه‌جایی‌های بزرگ جمعیتی، سست کردن و گسستن ارتباطات قومیتی و درنهایت تضعیف هرگونه مقاومت احتمالی شکست‌خوردگان بوده است. در کتیبه‌ها اغلب هویت کوچانده‌شدگان نیز اعلام می‌شود. گاهی جمعیت بومی با جمعیت‌های آشوری، ولو مجرمان آشوری جایگزین می‌شوند؛ مثلاً سارگن دوم در یک کتیبه می‌گوید: «من ۶۳۰۰ نفر از مجرمان آشوری را در سرزمین حماث اسکان دادم» (Frame 2021: 85.20).

راهبرد تبعید و کوچ اجباری و آواره نمودن به شیوه‌ی آشوری به شکل گسترده‌ای توسط داعش بر

گروه‌های قومی و مذهبی متمایز به‌ویژه اقلیت‌های مسیحی و ایزدی اعمال شده است. این اقدامات اغلب با هدف یکپارچه‌سازی مذهبی قلمرو خلافت خودخوانده و پاکسازی آن از گروه‌های مذهبی و دینی متفاوت صورت گرفته است. دسته‌های بزرگی از اقلیت‌های مذهبی ایزدی و مسیحی در چند سال گذشته از بیم اقدامات داعش به‌اجبار خانه و کاشانه‌ی خود را رها کرده و آواره‌ی مناطق دیگر از جمله اروپا و اقلیم کردستان عراق شده‌اند (ن.ک: عسکری و ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۸۳؛ حسینی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۷- Isakhan and Shahab, 2020).

۳/۵ اسارت و بردگی

یکی از نتایج مهم لشکرکشی‌های شاهان آشور، اسارت بخشی از جمعیت بومی مناطق تسخیرشده و انتقال آن به سرزمین آشور بوده است. این گروه‌های تبعیدی که در نقوش برجسته‌ی آشوری هم به تصویر کشیده شده‌اند (شکل ۸)، منبع مهمی برای تأمین بردگان کار در سرزمین آشور به‌ویژه برای انجام کارهای طاقت‌فرسا نظیر استخراج سنگ معدن، کار در کوره‌ها و حمل‌ونقل بارهای سنگین به شمار می‌رفتند (Ponchia, 2017). در یک نقش برجسته‌ی آشوری، تبعیدیان، اسرا و بزرگان تحت نظارت سربازان مسلح آشوری در حال حمل‌ونقل پیکره‌های سنگی غول‌پیکر هستند. زنان اسیر نیز خریدوفروش می‌شدند و از جمله در مشاغل خانگی و مراکز بافندگی، حرمسرا و ... به کار گماشته می‌شدند (Ponchia, 2017: 164-171).



شکل ۸ نقش برجسته‌ی روی دروازه‌ی مفرغی «بالاوات» که انتقال مردان اسیر دست‌بسته و برهنه را به همراه زنان آن‌ها نشان می‌دهد (http://www.britishmuseum.org/collection/image/1613053943).

آگاهانه از جانب آشوری‌ها برای ایجاد جنگ روانی بوده است (Saggs, 1963: 149). به‌علاوه در همه‌ی صحنه‌های نبرد که افزون بر سه سده در نقوش برجسته‌ی آشوری به تصویر کشیده شده، هیچ شخص آشوری، زخمی یا در یک وضعیت نامناسب جنگی نشان داده نشده است. قربانیان خشونت آشوری‌ها نیز خود در حکم وسیله‌ای برای تبلیغات آشورهراسی تلقی می‌شدند؛ برای مثال، آشوری‌ها در مواقعی به‌جای کشتار اسیران آن‌ها را صرفاً کور و سپس رها می‌کردند و این اسیران نیز صحنه‌های دهشت‌باری را که از آشوری‌ها دیده بودند، برای دیگران روایت می‌کردند. پیام آشکار چنین تبلیغاتی هم برای آشوری‌ها و هم برای نمایندگان ملل تابعه که به پایتخت آشور می‌آمدند، شکست‌ناپذیر نشان دادن آشوریان بود که نتیجه‌ی آن ایجاد اعتماد به نفس در پادشاهی آشور و تزریق ترس به ملت‌های همجوار بود (Bertman, 2003: 221) (شکل ۹). شیوه‌های مؤثر آشوری‌ها در جنگ روانی سبب می‌شد تا ترس و وحشت از آن‌ها فراگیر شود و به این دلیل برخی لشکرکشی‌های آشوری‌ها عملاً بدون درگیری به نتیجه می‌رسید.

باوجود آنکه منع بردگی نسبت به دیگر جنایات بین‌المللی سابقه‌ی طولانی‌تری دارد؛ اما گزارش‌های متعدد حاکی از این است که داعش زنان و کودکان اقلیت‌های مذهبی را در عراق و سوریه ربوده و از آنان به‌عنوان برده و کنیز استفاده کرده است (زر نشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۱). خود داعشی‌ها نیز ارتکاب چنین اعمالی را پنهان نمی‌کنند. ابومحمد العدنانی سخنگوی داعش در یک سخنرانی خطاب به غربی‌ها گفته است: «به اذن خداوند رُم را تسخیر می‌نماییم، صلیب‌ها را می‌شکنیم و زنان شما را به بردگی خواهیم گرفت» (Dabiq 4,1435: 2).

۳،۶ جنگ روانی؛ خشونت رسانه‌ای

در میان اقوام ساکن در بین‌النهرین، آشوریان به‌ویژه در جنگ روانی چیره‌دست بوده و تاکتیک‌های گوناگونی برای جنگ روانی داشتند. بخشی از سیاست جنگ روانی آشوری‌ها در متون میخی و نقوش برجسته در حکم رسانه‌ی تبلیغاتی آن‌ها بازتاب داشته است؛ برای مثال، کاربرد عباراتی چون «پاشیدن بذر ترس در سرزمین دشمن» در سال‌نامه‌های آشوری نمایانگر یک استفاده‌ی کاملاً



شکل ۹ نقش برجسته‌ی آشوری از نینوا که «آشوربانی‌پال»، شاه آشور و ملکه اش را در يك ضیافت مجلل نشان می‌دهد؛ درحالی‌که در مقابل آن‌ها سر پادشاه نگون بخت عیلام بر درختی آویزان است
(<http://www.britishmuseum.org/collection/image/23700000>)

تبلیغاتی، موجی از رعب و وحشت به راه انداخته و با ایجاد يك فضاي رواني به نفع خود، از این فضا برای پیشبرد اهداف نظامي استفاده می‌کردند (میلانی، ۱۳۹۳: ۲). این گروه هرگونه عملیاتی را با هدف پوشش رسانه‌ای آن به‌منظور ترویج فرهنگ ترس و ارباب و آسیب‌پذیری امنیت روانی جامعه طراحی می‌کنند و آن‌ها را به‌صورت نمادین در شبکه‌های اجتماعی بازتاب می‌دهند (فرهنگی و عباسی، ۱۳۹۷: ۳۸ و ۱۴۴). در مجله‌ی الکترونیکی «دابیک» که زیر نظر این گروه منتشر می‌شود اذعان شده است که گروه خلافت اسلامی سطح آشوب و هرج‌ومرج را در مناطق هدف به حدی بالا خواهد برد که از آن با نام توحش یاد می‌شود (Dabiq, 2014: 37).

۳/۷ انگیزه‌ی مذهبی برای ارتکاب جنایت

در دوره‌ی باستان، لشکرکشی‌های شاهان آشوری علاوه‌بر انگیزه‌ی غارتگری و به دست آوردن غنائم جنگی و حذف دشمنان بالقوه، از جهتی هم يك فریضه‌ی مذهبی به شمار می‌رفت که به نام خدا انجام می‌گرفت؛ زیرا دشمنان شاه دشمنان خدا هم

در مقام مقایسه، در راهبرد داعش نیز جنگ رواني هم‌سنگ عملیات نظامي، حتی مقدم بر آن بوده است. درواقع، بیشتر مواردی را که آشوری‌های دوره‌ی باستان به‌عنوان مصادیق جنگ رواني از آن بهره برده‌اند، توسط گروه داعش هم تجربه و تکرار شده است. شکست‌ناپذیر نشان دادن داعش و حتمي نمایاندن پیروزی این گروه و القای ترس و ناامیدی به طرف مقابل ازجمله حربه‌های تبلیغاتی آن‌ها در جنگ رواني بوده است. نگاهی به درگیری‌های يك سال نخست داعش در عراق و سوریه نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، تروریست‌های داعش از پیش‌برنده‌ی کارزار محسوب می‌شدند و ترس از داعش چنان بر ذهن سربازان و فرماندهان طرف مقابل مستولی شده بود که در مواردی حتی بدون هیچ‌گونه درگیری مستقیم میدان نبرد را به نفع داعش ترك کرده و متواری می‌شدند. تجربه‌ی فتح موصل و بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ دیگر در عراق و سوریه، چنین ادعایی را به‌سادگی تأیید می‌کند.

جنگ رواني داعش عمدتاً به کمک رسانه‌های تصویری، شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و اینترنتی مدیریت شده است (عراقچی و جوزانی کهن، ۱۳۹۶). آن‌ها با استفاده از امکان رسانه‌ای و



دوم از انتقال خدایان سرزمین‌های مفتوحه‌ی سرزمین نائیری و قومانو به سرزمین آشور خبر داده‌اند (RIMAP III, A.O.103.1: ii 28) و تیگلت-پیلسر سوم هم بر روی دیوارهای کاخ خود صحنه‌ی اسارت و انتقال پیکره‌ی خدایان دشمن مغلوب را جاری کرده است (شکل ۱۱).

داعش هم برای بسیاری از اعمال خشونت‌آمیز خود با برچسب دین، توجیه هنجاری ایجاد می‌کند (کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۱۱). گفتمان داعش مبتنی بر «فقه التکفیر» بوده و به همین دلیل خشونت هسته‌ی اصلی این جریان را تشکیل می‌دهد؛ چنانکه هر چیزی خارج از وهابی‌گری و اعتقادات سلفی را کفر بر شمرده و هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را نیز حرام می‌داند (پورحسین و اخباری، ۱۳۹۸: ۳۳؛ حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۵۷؛ ساوه‌درودی، ۱۳۹۳). سلفی‌های جهادی باور دارند که اقدامات انتحاری علیه کفار و مرتدین، نهایت پرستش خداوند است (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۲). به گفته‌ی البغدادی، رهبر پیشین داعش، جهان از دو اردوگاه تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: اردوگاه اسلام و ایمان و اردوگاه کفر و نفاق که مسیحیان و یهودیان و متحدان آن‌ها و دیگر مذاهب و ملت‌های کفر را شامل می‌شود (Dabiq 1, 1435: 11). داعش اسلام سلفی را علم کرده (کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۱۰) و با دیگر مذاهب اسلامی نیز کوچک‌ترین سیاست مدارای مذهبی ندارد (خاتونی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). عمده‌ی اعمال مجرمانه‌ی داعش علیه اقلیت‌های دینی و مذهبی چون ایزدی، مسیحی و شیعه صورت گرفته است؛ این درحالی است که براساس مفاد منشور سازمان ملل متحد کشتار دسته‌جمعی گروه‌های قومی، مذهبی و جنسی در حکم جنایت علیه بشریت است (UNAMI/OHCHR 2014).

به شمار می‌رفتند (ناردو، ۱۳۸۱: ۵۰). پادشاه آشور تمام موفقیت‌ها و کارهای انجام‌شده، به‌ویژه پیروزی‌های نظامی خویش را به خداوند آشور نسبت می‌داد و به همین دلیل به معابد این کشور هدایای خاصی عطا می‌کرد که بخشی از آن از غنائم جنگی تأمین می‌شد (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۲). خدای آشور بزرگ‌ترین خدای سرزمین آشور به شمار می‌رفت و نقش حمایتی و تقویت سپاهیان آشور را بر عهده داشت (Black & Green, 1992: 38). این خدا که در هنر آشوری اغلب به شکل پیکره‌ای سوار بر قرص بالدار خورشید نشان داده می‌شود، در حجاری‌ها، حتی در صحنه‌های نبرد نیز حضور دارد و همچون سربازان آشوری تیر و کمان به دست دارد و به سمت دشمن نشانه رفته است.

در کتیبه‌های آشوری، لشکرکشی پادشاهان این سلسله با نام خدای آشور آغاز و به فرمان او و تحت حمایت او به انجام می‌رسید (ن.ک: Frame 2021: 1.53; 1.204; 2.237). سربازان آشور سربازان خدای آشور خوانده می‌شدند و پیروزی‌ها هم به نام خدای آشور و با شمشیر او ثبت می‌شدند (ن.ک: Frame 2021: 1.109a; 1.123a; 2.232; 2.235). حاکمان و مردمان سرزمین‌های فتح‌شده نیز متهم به برافکندن یوغ خدای آشور می‌شدند؛ آنچنان که گویی شاه آشور مأمور شده بود تا یوغ خدای آشور را برگردن آن‌ها بیفکند (ن.ک: Frame 2021: 1. 20b; 1.89). پادشاهان آشور نیز هنگام فتح شهرها، نماد خدای آشور و دیگر خدایان بزرگ را در آنجا برپا می‌کردند؛ چراکه تصور می‌کردند این خدایان پیش از آن‌ها پیروزمندانه وارد این شهرها شده‌اند (ن.ک: Frame 2021: 1. 95).

سپاهیان آشور مردمان مناطق شکست‌خورده را وادار به پرستش خدای آشور و دیگر خدایان آشوری می‌کردند (ن.ک: Frame 2021: 1.100; 1.76a) و اغلب از هیچ‌گونه بی‌احترامی و توهینی نسبت به مقدسات مذهبی، اماکن مقدس و مظاهر دینی ملت‌های مغلوب خودداری نمی‌کردند؛ برای مثال، شمش‌ی‌ا‌دد پنجم (۸۱۱-۸۲۴ پ.م) و آشورنصری‌پال



۳/۸ خشونت علیه زنان

چنانکه از نقوش برجسته‌ی برجای‌مانده از دوره‌ی آشور نو پیداست، به‌جز چند استثنا (شکل ۹)، تمامی زنانی که در صحنه‌های حجاری کاخ‌های آشوری دیده می‌شوند، زنان بیگانه (غیرآشوری) هستند. کم‌شماربودن نمایش زنان آشوری در هنر این دوران، حتی در تصاویری که ماهیت نظامی ندارند نیز چشمگیر است. متون آشوری ممکن است سرنخ‌های جالبی را درباره‌ی دلایل اصلی عدم حضور زنان آشوری در نقوش برجسته در اختیار بگذارد. براساس مدارک موجود، بانوان درباری آشور از دوره‌ی آشور میانی به این سو در حرم‌هایی که توسط خواجهگان محافظت می‌شد، به سر می‌بردند و این زنان فقط همسر، بچه و ملازمان مؤنث خود را ملاقات می‌کردند (Mcintosh, 2005: 164). در مجموع، قوانین آشور در ارتباط با زن سختگیرانه‌تر از بابل بود و از نگاه آشوریان، زن فقط مولد تولید مثل بود (افخمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲-۵۳۱).

باوجود آنکه زنان آشوری موظف به پوشاندن بدن خود بودند و مردان آشوری نیز به حفظ چنین سنتی اصرار می‌ورزیدند، اما نمایش زنان اسیر غیرآشوری در نقوش برجسته‌ی آشوری، اغلب نوعی در معرض دید گذاشتن عامدانه‌ی جسم آن‌ها به مفهوم «تسلیم جنسی» و القای «بی‌حیایی» بوده است (Cifarelli, 1998: 220). در بسیاری از این تصاویر با اغراق در نشان دادن سینه‌های اسیران مؤنث، بر زن بودن آن‌ها تأکید شده است. به عبارتی، زنان غیرآشوری از روی عمد چنین نشان داده می‌شدند تا ناظران آنان را به چشم زبانی نگاه کنند که پرده‌ی عفافشان لکه‌دار شده است (Ibid: 220-21). مطابق کتیبه‌ها و نقوش برجسته‌ی آشوری، زنان مناطق تسخیرشده اغلب بخشی از غنایم آشوری‌ها به شمار می‌رفتند (ن.ک. 22 iii RIMAP II, A.0.101.1). شلمنصر سوم، شاه آشور، با مباحثات می‌گوید: «من زنان خدمتکار سرزمین او (شاه اورارتو) را پیش سربازانم راندم» (RIMAP III, A.0.102.17: 52). بر روی نقش برجسته‌ی دروازه‌ی مفرغی بالاوات،

تعدادی از زنان اسیر دیده می‌شود که دامن‌های خود را از قسمت جلو بالا کشیده‌اند (شکل ۸). دیاکونوف (۱۳۵۷: ۲۸۴) معتقد است که آشوریان زنان ممالک مغلوب را مجبور می‌کردند که با دامن دریده حرکت کنند و آن‌ها را با بی‌عفتی به بردگی می‌بردند.

در مقام مقایسه، داعش نیز هر نوع کارکرد برای حضور زن در اجتماع را منع کرده و معتقد است زن باید در خدمت شوهر باشد (سواده‌رودی، ۱۳۹۳: ۹۵). درواقع، جریان سلفی زندگی سیاسی و فردی را بیش از گروه‌های اسلامی محدود می‌کند و از حقوق مساوی و اقلیت‌ها متنفر است (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). در سبک زندگی تصویرشده از داعش، زنان جایی ندارند؛ زیرا زن نمادی از احساسات نشان داده شده است (شمس‌کوشکی و دادبخش، ۱۳۹۷: ۱۰۶). در این میان، وضعیت زنان غیرخودی در بند این گروه، به‌مراتب وخیم‌تر گزارش شده است. در چند سال گذشته، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و حقوق زنان گزارش‌های متعددی از اعمال خشونت جنسی داعش علیه زنان در بند این گروه منتشر کرده‌اند که عمدتاً از اقلیت‌های مذهبی بوده‌اند و در آن‌ها موارد متعددی از تجاوز و بردگی جنسی ذکر شده است.

از نظر قوانین بین‌المللی، خشونت جنسی شامل مواردی چون تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن و .. است که داعش به‌طور گسترده این موارد را مرتکب شده است (زرشنان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۱). در یک گزارش منتشرشده از سازمان ملل آمده است که تا پایان ماه اوت ۲۰۱۴، حدود ۲۵۰۰ تن از مناطق شمال عراق در سنجار، تل عفر، نینوا و شیرخان توسط داعش ربوده شده‌اند که بیشتر آن‌ها را زنان و دختران تشکیل می‌دهند (کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۱۱). در این میان برخی از زنان و دختران اسیر که بیشترشان ایزدی، مسیحی، شیعه و ترکمن بوده‌اند به سوریه فرستاده شده‌اند تا به‌عنوان هدیه در اختیار داعشی‌ها قرار گیرند و یا به‌عنوان برده‌ی جنسی فروخته شوند (کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۸). داعش در منطقه‌ی القدس در موصل

زمانی طولانی مدت اغلب توسط مردان متعددی از اعضای داعش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، به عنوان دارایی شخصی فروخته شده و مورد توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند (ساعدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۲۹) (شکل ۱۰). مطابق اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی، ارتکاب چنین اعمالی توسط اعضای داعش از مصادیق بارز جنایت جنگی به شمار می‌رود (همان: ۸۳۰).

نیز بازاری برای فروش زنان و دختران ایجاد کرده بود که در این بازار روی زنان و دختران اسیر برچسب قیمت زده شده و خریداران درباره‌ی قیمت و خرید آن‌ها چانه می‌زدند (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۱). فروش این زنان یکی از منابع درآمدی داعش بوده است، در صورتی که برای آزادی آن‌ها نیز مبلغ ۳۰۰۰ دلار دریافت می‌شد (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). این افراد به‌طور خشونت‌آمیز و به‌طور مستمر در بازه‌ی



شکل ۱۰ راست؛ نقش برجسته از کاخ سنخرب که در آن سربازان آشوری دو اسیر برهنه را به میخ کشیده‌اند تا آن‌ها را پوست بکنند؛ درحالی که یک زن و دو بچه نظاره‌گر این صحنه هستند. زن کوله‌ای بر دوش دارد و خود و فرزندانش نیز در حکم بخشی از غنایم به آشور منتقل می‌شوند

(<http://www.britishmuseum.org/collection/image/32466001>)، چپ؛ معترضان جهانی در صحنه‌ی

نمادین فروش زنان اسیر توسط داعش (<http://www.irna.ir/amp/82001757/>).

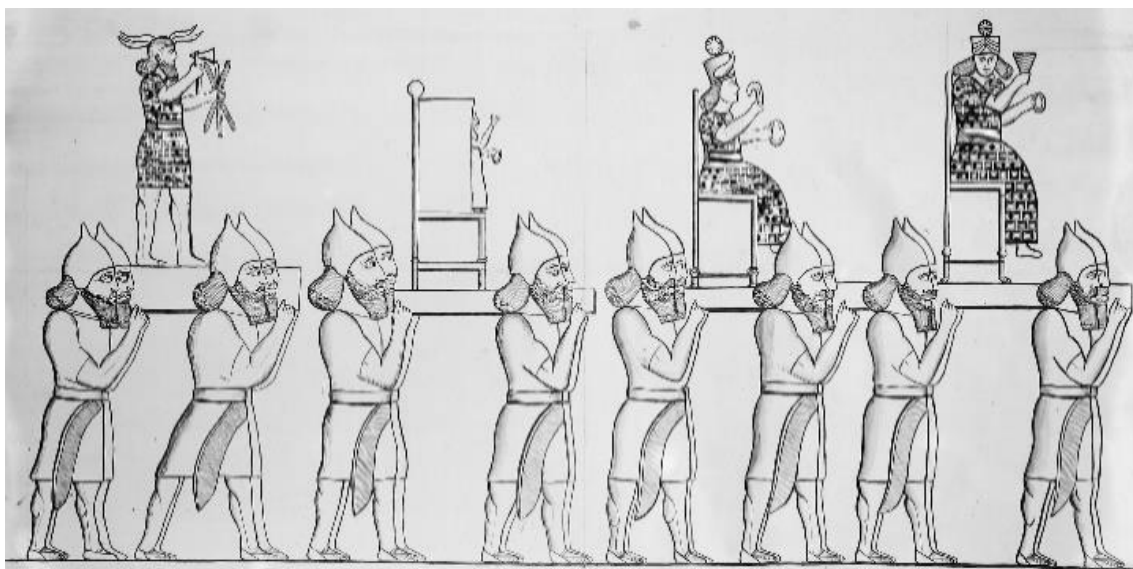
گفته است: «من فرمان دادم تا خدای خلدی را از جای ببرکنند... من در معبد خدای خلدی آتش افکنم، آنچنان که گویی یک تکه آتشک چوبی بود. من به جایگاه‌های مقدس آن هتک حرمت کردم» (Frame 2021: 65.347; 65.279). آشوربانی‌پال هم می‌گوید: «من معابد سرزمین عیلام را با خاک یکسان کردم و خدایان و الهه‌های آن را همچون اشباح (ناتوان و غیرواقعی) تلقی کردم. سربازان جنگجوی من در بیشه‌های مقدس آنان که هیچ‌گاه بیگانه‌ای آن‌ها را ندیده یا در محدوده‌ی آن گام نهاده بود، وارد شدند، اسرار آن را دیدند و آن‌ها را به آتش کشیدند» (RINAP 5/1, 9: v 40-48). آشوری‌ها حتی به گورستان‌ها و قبور بزرگان اقوام

۳٫۹ تخریب گسترده‌ی بناها و آثار تاریخی- مذهبی

شاهان آشوری معمولاً به مقدسات و خدیان سامی، به‌ویژه خدایان آشوری و بابلی احترام می‌گذاشتند و به آن‌ها هدایایی پیشکش می‌کردند؛ اما در مقابل، آشوری‌ها خدایان بیگانه و مکان‌های مقدس متعلق به سرزمین‌های تصرف‌شده را تخریب و غارت می‌کردند و پیکره‌های آنان را نیز به اسارت می‌بردند. سارگن دوم که بخش مهمی از گزارش لشکرکشی خود به سرزمین اورارتو را به شرح جزئیات غارت اشیای گرانبهای معبد خلدی، خدای بزرگ اورارتویی‌ها در موصصیر اختصاص داده (شکل ۱۱)، در این‌باره

(RINAP 5/1, 9: v 49-71). در یک نقش برجسته‌ی آشوری، شاهزادگان عیلامی مجبور شده‌اند که استخوان‌های اجداد خود را درون آسیاب‌های دستی گذاشته و به نشانه‌ی تحقیر با دستان خود خرد کنند! (شکل ۶).

شکست‌خورده هم تعرض می‌کردند. آشوربانی‌پال درباره‌ی گشودن آرامگاه‌های سلطنتی عیلام گفته است: «من گورهای شاهان پیشین و پسین آن‌ها را ویران ساختم. اجساد آن‌ها را در معرض آفتاب گذاشتم و استخوان‌هایشان را به آشور بردم...»

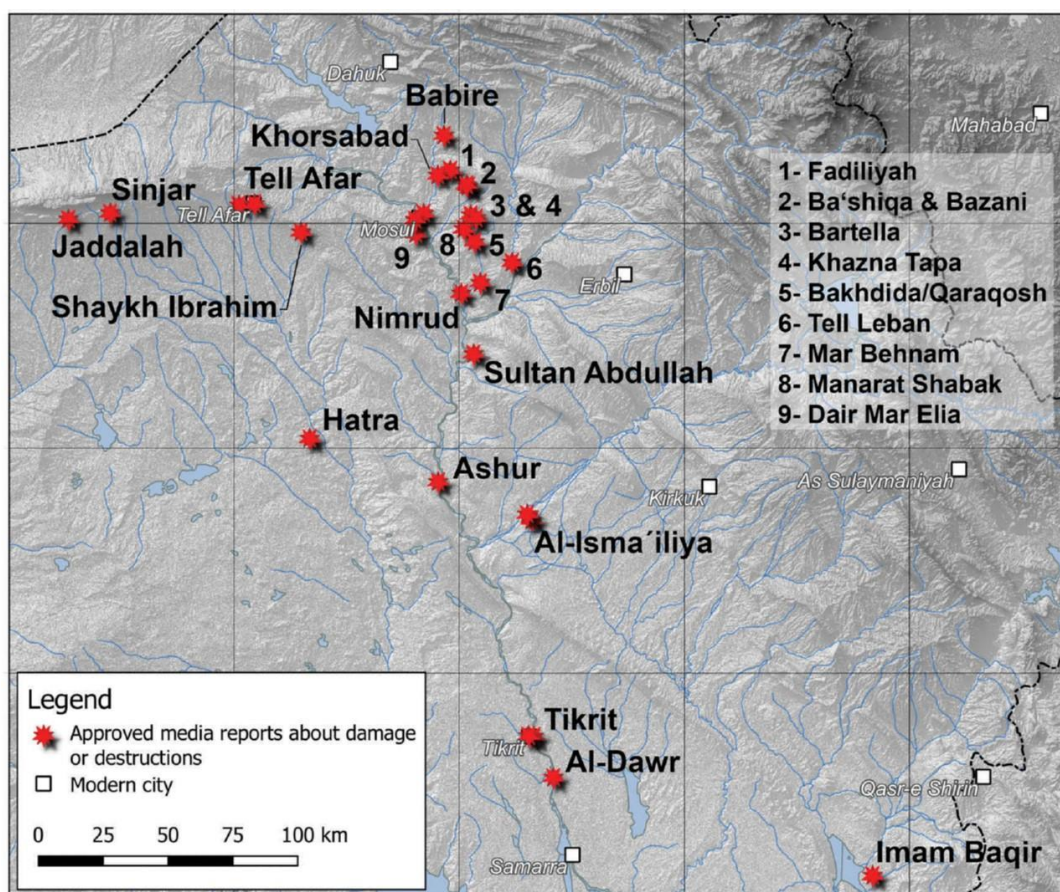


شکل ۱۱ (راست): غارت و تصرف معبد خدای خالدي در موصصير توسط سربازان آشوری، نقش برجسته از کاخ سارگن دوم (پیوتروفسکی ۱۳۸۳: شکل ۷)، (چپ): پیکره‌ی خدایان سرزمین مغلوب که توسط سربازان تیگلت-پیلسر سوم (۷۲۷-۷۴۴ پ.م) پادشاه آشور به سرزمین آشور حمل می‌شود، نمرود (Layard 1849: 451).



و ..)، مدارس اسلامی (ازجمله مدرسه‌ی الرضوانی)، زیارتگاه‌های شیعیان، معابد و قبرستان‌های ایزدیان، کلیساهای مسیحی و اماکن مقدس پیروان اقلیت‌های مذهبی دیگر را منهدم و ویران ساخته است (Matthews et.al 2019; Isakhan and Shahab, 2020) (شکل ۱۲). داعش حتی برای تخریب اماکن مذهبی گردانی به نام گردان تسویه‌ی قبور و ضریح مجهز به ماشین‌آلات سنگین تشکیل داد (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۰). رهبران این گروه به‌طور مداوم نسبت به ویرانی همه‌ی بقاع مجوس و روافض (ایرانیان و شیعیان) در ایران و خارج از آن هشدار داده‌اند (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۶).

براساس گزارش‌ها و آمار منتشرشده، داعش فقط در نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرده است (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷). این گروه مزار پیامبران (چون مقبره‌ی نبی یونس، جرجیس، دانیال و شیت) و بزرگان دینی (چون امام یحیی بن قاسم، امام ابن حسن، امام زید بن علی، نبش قبر حجر بن عدی، ابن اثیر، شیخ ابراهیم نقشبندی و ...) و قبرستان‌های اسلامی، مساجد مهم اسلامی (شامل ده‌ها مسجد ازجمله مسجد ربیع خاتون، مسجد النوری و مناره‌ی کج معروف آن به نام الحدبا، مسجد شیخ‌الشط، مسجد الخدر...)، خانه‌های تاریخی شهر موصل (ازجمله خانه‌ی داوود اسحق، بشیر منیر، الشرابی، توتونچی



شکل ۱۲ موقعیت محوطه‌های باستانی عراق که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ توسط داعش تخریب شده است (Matthews et.al 2019: fig. 1)

علاوه بر مکان‌های مذهبی اسلامی و غیراسلامی، بسیاری از مکان‌های تاریخی مربوط به دوران پیش از اسلام نیز در مناطق تحت تصرف داعش به‌عمد توسط این گروه تخریب و نابود شده است که از آن جمله می‌توان به تخریب معابد و پیکره‌های شهر باستانی پالمیرا در سوریه در سال ۲۰۱۶، شامل معابد باستانی بعل و بعل‌شمین و طاق یادمانی (عسکری و مسعودی کوشک، ۱۳۹۷: ۶۲-۱۶۰؛ Fisher, 2017)، همچنین تخریب و غارت موزهی موصل و محوطه‌های جهانی نینوا، نمرود و هترا در عراق اشاره کرد (Matthews et.al 2019: 8) (شکل ۱۳). فقط در محدوده‌ی شهر موصل فهرستی از ۷۴ بنای تاریخی که توسط گروه داعش تخریب یا ویران شده، تهیه و ثبت شده است (see

که همه‌ی این اقدامات نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه یا اساس‌نامه‌ی رم به شمار می‌رود (Fisher, 2017) و امروزه مطابق نص صریح قوانین یونسکو تخریب عمدی میراث فرهنگی در حکم جرایم جنگی است (UNESCO 2015). شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ قطعنامه‌ی تصویب کرد که در آن با محکومیت تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه، به‌ویژه به‌وسیله‌ی داعش و جبهه‌النصره، از دولت‌ها خواست با همکاری پلیس بین‌الملل (اینترپل)، یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی از تجارت غیرقانونی اشیایی که از حیث فرهنگی، علمی و مذهبی ارزشمند است، جلوگیری کنند (نماین، ۱۳۹۴: ۱۸۲).



شکل ۱۳ سه صحنه‌ی غم‌انگیز از تخریب آثار تاریخی ارزشمند موزه‌ی موصل توسط مته و پُتک به دست اعضای گروه داعش، شامل نقوش برجسته و کتیبه‌ها و پیکره‌ی عظیم یک گاو-مرد آشوری (Fisher, 2017: figs. 18&26; Doppelhofer, 2016: fig. 1)؛ پایین، چپ: انهدام معبد بعل شمین در پالمیرا توسط داعش (Doppelhofer, 2016: fig. 2).



۴ سخن پایانی: تکرار تاریخ؛ سرنوشت یکسان آشور و داعش!

سرانجام آشور پایان تلخ و سیاهی داشت. سیاست‌های خشن و اعمال فجیع دولت آشور هر بار دشمنانشان را سرسخت‌تر و مقاوم‌تر می‌کرد و باعث شد که اقوام تابعه بارها و بارها سر به شورش بردارند. رؤیای سقوط آشور و پایتخت آن نینوا که آرزوی دیرینه‌ی همه ملت‌های ستم‌دیده‌ی منطقه بود، در پیش‌بینی‌های ناحوم نبی این‌گونه منعکس شده است: «هرکس که تو را ببیند از تو فرار کرده، فریاد خواهد زد: نینوا به کلی ویران شده است!». ولی هرگز کسی از سرنوشت تو تأسف نخواهد خورد... چون کسی را نمی‌توان یافت که از ظلم و ستم تو در امان بوده باشد» (Book of Nahum, 3). بررسی سقوط آشور از طریق منابع بابلی و نوشته‌های هرودت یونانی نشان می‌دهد که سرانجام در سال ۶۱۲ پ.م. قوای متحدی از مادهای ایرانی‌تبار و بابلیان ساکن در جنوب بین‌النهرین به نینوا پایتخت آشور یورش برده و آن را به تصرف خود درآوردند (Dandamayev and Medvedskaya, 2006; Radner, 2013). این ائتلاف توانست کل منطقه را از شر آنچه که همگی آن را مصیبتی بسیار هولناک و مرگبار می‌دانستند، رها سازد.

در این نوشتار برخی از شباهت‌های شگفت‌انگیز داعش و دولت آشور باستان مورد بحث قرار گرفت. داعش در حالی پایتخت پادشاهان آشور را به‌عنوان مرکزی برای خلافت خودخوانده برگزید که شاید پس از گذشت بیش از ۲۶۰۰ سال از سقوط امپراتوری آشور، هیچ سلسله و حکومتی به‌لحاظ ویژگی‌های رفتاری، تا بدین حد به آشوری‌های باستان نزدیک نبوده است. درنده‌خویی و خشونت بی‌حدوحصر و لجام‌گسیخته، ارتکاب جرایم جنگی پرشمار از قبیل شکنجه و ارباب، تجاوز و خشونت جنسی، نسل‌کشی و اعدام دسته‌جمعی مخالفان به‌ویژه قتل‌عام گروه‌های دگراندیش و اقلیت‌های قومی و مذهبی و تخریب گسترده‌ی بناهای تاریخی و مذهبی، ازجمله شباهت‌های دولت باستانی آشور و گروه تروریستی داعش است. اتفاقات چند سال اخیر نشان داد که این بار نیز تاریخ تکرار شده و ائتلافی از مردمان و اقوام گوناگون ساکن در منطقه، داعش را از بخش شمالی بین‌النهرین و سوریه ریشه‌کن خواهد ساخت. این تنها مرهمی بود که می‌توانست اندکی از آلام مردمی را التیام بخشد که هر یک به نوعی داغی از داعش بر پیکر خود دارند.

سپاسگزاری

از آقایان دکتر سجاد علی‌بیگی و امین زارع‌نژاد برای مطالعه‌ی این نوشتار و پیشنهادات مفیدشان بسیار سپاسگزارم.



منابع:

حسینی نژاد، ژیلا؛ نوری، مهدی؛ برزگر، اکرم؛ نورالهی، حانیه؛ بقائی فر، امیرپهنا (۱۳۹۹)، «روش طراحی مجموعه‌ی اسکان موقت پس از بحران ناشی از جنگ»، مدیریت بحران، ویژه‌نامه‌ی هفته‌ی پدافند غیرعامل، ۶۷-۸۴

خاتونی، م.، یزدان‌پناه، ک.، افضلی، ر. (۱۳۹۵)، «مطالعه‌ی ژئوپلیتیک عمومی داعش در رسانه‌های اجتماعی؛ جیش الصفوی و ملت صلیب»، مطالعات ملی، ۶۶، سال هفدهم، شماره‌ی ۲: ۱۱۰-۱۲۸.

دیاکونوف، ا.م (۱۳۵۷)، تاریخ ماد، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.

زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۲)، «نقش برجسته و کتیبه‌ی تنگی‌ور (کتیبه‌ی سارگن دوم در تنگی‌ور)»، فصلنامه‌ی فرهنگ کردستان، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷: ۶۵-۲۴.

زرنشان، شهرام، سیدحسین، میرجعفری (۱۳۹۷)، «قابلیت تعقیب سران گروه تروریستی داعش در دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله‌ی حقوق بین‌المللی، شماره‌ی ۵۹، صص ۲۲۴-۲۰۵

ساعدی، بهمن؛ آرش‌پور، علیرضا، فرزنامی‌نسب، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی عراق؛ تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری»، مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی ۴۹، شماره‌ی ۲، ۸۰۹-۸۳۶

ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۳)، «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای»، امنیت ملی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۵، صص ۸۹-۱۰۸

صالحی، سیدجواد؛ مرادی‌نیا، فاتح (۱۳۹۵)، «بنیادگرایی اسلامی داعش-القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی»

افخمی، بهروز؛ زینی‌زاده جدی، تقی؛ حسینی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۷)، «مطالعه‌ی جایگاه زن در دوره‌ی هخامنشی و آشوری براساس شواهد باستان‌شناختی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴، صص ۵۲۷-۵۴۸

امینیان، بهادر؛ زمانی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۵)، «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش»، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره‌ی ۲۶، صص ۱-۲۴

بصیری، محمدعلی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه‌ی موردی؛ داعش در عراق و سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره‌ی ۱۹، صص ۷۱-۵۱

پورحسین، فاطمه؛ اخباری، محمد، (۱۳۹۸)، «تبیین تأثیرات ژئوپلیتیکی اندیشه و کنش سیاسی داعش برای تأسیس کشور و حکومت ایدئولوژیک در منطقه‌ی خاورمیانه»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره‌ی دوم، صص ۳۱-۵۲

موسوی، سیدحسن؛ تقوی، عابد (۱۳۹۷)، «باستان‌شناسی جنایی رویکردی انسان‌شناختی در بازیابی و بازشناسی مواد مجرمانه»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، صص ۱۴۵-۱۶۲

توکلی، سعید (۱۳۹۳) «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، آفاق امنیت، سال هفتم، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۵۱-۱۹۵

حاتمی، م.ر. (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن»، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۳۰: ۱۴۷-۱۷۰



فرهنگی، علی‌اکبر؛ عباسی، حجت‌الله (۱۳۹۷)، «طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه‌ی گروه داعش در شبکه‌های تویتر و فیس‌بوک)»، *دین و ارتباطات*، سال بیست و پنجم، شماره‌ی اول (پیاپی ۵۳)، صص ۱۵۶-۱۲۹

شمس‌کوشکی، الهه؛ دادبخش، مسعود (۱۳۹۷)، «بازنمایی هویت خودی و دیگری در فیلم‌های تبلیغاتی گروه داعش در فضای مجازی»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی دوم، صص ۷۵-۱۱۳

مجیدزاده، ی (۱۳۷۹)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد دوم؛ تاریخ فرهنگی اجتماعی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

میلانی، ج. (۱۳۹۳)، *داعش ریشه‌ای سنتی، روشی مدرن؛ مدرنیته علیه مدرنیسم*، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل - ابرار معاصر، تهران.

ناردو، دان (۱۳۸۱)، *امپراتوری آشور*، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

نمایان، پیمان (۱۳۹۴)، «ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش»، *مطالعات راهبردی*، شماره‌ی اول، شماره‌ی مسلسل ۶۷، صص ۱۹۰-۱۶۰

هزار، عبدالرحمن شرفکندی (۱۳۷۶)، *فرهنگ کردی - فارسی*، تهران: سروش.

جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، صص ۸۵-۱۱۰

عابدی، میلاد؛ عباسلو، سینا (۱۳۹۹)، «بررسی دو عبارت کنایه‌آمیز در ایلامی هخامنشی»، *پژوهشنامه‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی*، سال دوم، صص ۴۵-۵۴

عبدی، عطاءالله؛ حیدری، جهانگیر؛ پناهی، حمید؛ دلالت، مراد (۱۳۹۷)، «تحلیل کارویژه‌های جغرافیای سیاسی شهرهای مرزی در بحران‌های ژئوپلیتیک (مورد مطالعه: شهر مرزی کوبانی و بحران داعش)»، *پژوهشنامه‌ی مطالعات مرزی*، سال ششم، شماره‌ی دوم، صص ۲۷۳-۲۵۳

عراقچی، سیدعباس؛ جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۶)، «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی»، *فصلنامه‌ی روابط خارجی*، سال نهم، شماره‌ی اول، صص ۱۴۱-۱۷۵

عسکری، پوریا؛ ساعدی، بهمن (۱۳۹۷)، «تحولات جایگاه نهاد شناسایی در ایجاد دولت جدید: بررسی ادعای داعش مبنی بر ایجاد دولت اسلامی»، *مطالعات حقوق عمومی*، شماره‌ی ۱، صص ۱۸۱-۲۰۰

عسکری، پوریا؛ مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۷)، «تخریب میراث فرهنگی سوریه توسط داعش و راهکارهای مقابله با آن در حقوق بین‌الملل»، *مجله‌ی حقوقی بین‌المللی*، شماره‌ی ۵۸، صص ۱۸۴-۱۵۳

Bertman, S., 2003. *Handbook to life in Ancient Mesopotamia*, New York.

Black, J., Green, A., 1992, *Gods, Demons and Symbols of ancient Mesopotamia, an Illustrated Dictionary*, British Museum Press

Cifarelli, M., 1998. "Gesture and Alterity in the Art of Ashurnasirpal II of

Assyria", *the Art Bulletin*, Vol. 80, No. 2, pp. 210-228

Cohen, H., Slon, V., Barash, A., May, H., Medlej, B., Hershkowitz, I., 2015. "Assyrian Attitude Towards Captive Enemies: A 2700-year-old Paleo-forensic Study", *International*



- Journal of Osteoarchaeology*, Int. J. Osteoarchaeol. 25: 265-280
- Dabiq., 2014, "The Failed Crusade", Dabiq issue 4 Available at: archive.org/details/DABIQ4.
- Dabiq., 2014, "The Return of the Khilafah", Dabiq Issue 1, Available at: archive.org/details/DABIQ1.
- Dandamayev, M., and I. Medvedskaya, 2006. "Media", *Encyclopedia Iranica*, online edition, available at www.iranicaonline.org/articles/media
- Doppelhofer, Ch., 2016. Will Palmyra rise again? - War Crimes against Cultural Heritage and Post-war reconstruction.[online], URL:<http://www.ohchr.org/EN/Issues/CulturalRights/Pages/IntentionalDestruction.aspx>.
- Fisher, H. J., 2017. Violence Against Architecture: The Lost Cultural Heritage of Syria and Iraq, thesis for the degree of Master of Arts, The city University of New York.
- Frame, G., 2021. *The Royal Inscriptions of Sargon II, King of Assyria, 721-705 BC*, with the collaboration of A. Fuchs for two inscriptions, Pennsylvania: University Park.
- Isakhan B., Shahab, S., 2020. "The Islamic State's destruction of Yezidi heritage: Responses, resilience and reconstruction after genocide", *Journal of Social Archaeology*, Vol. 20 (1): 3-25
- Layard, A., 1853. *Discoveries in the Ruins of Nineveh and Babylon*, [New York, G.P. Putnam and Co.](http://www.gutenberg.org/files/20111/20111-h/20111-h.htm)
- Matthews, R, Rasheed H. Q., Fernández M. P, Fobbe S., Nováček, K., Mohammed-Amin, R., Mühl, S., Richardson, A., 2019. "Heritage and cultural healing: Iraq in a post-Daesh era", *International Journal of Heritage Studies*, <https://doi.org/10.1080/13527258.2019.1608585>
- Mcintosh, J. R., 2005. *Ancient Mesopotamia new perspectives*, ABC CLIO.
- Ponchia, S., 2017. "Slaves, Serfs, and Prisoners in Imperial Assyria (IX-VII CENT.BC), a Review of Written Sources, *State Archives of Assyria Bulletin* Volume XXIII: 157-179
- Radner, K., 2013. "Assyrian and the Medes", in the *Oxford Handbook of Ancient Iran*, Potts, D. T. (ed.), Pp. 442- 456, Oxford, Oxford University Press.
- Radner, K., 2015. "High visibility punishment and deterrent: Impalement in Assyrian warfare and legal practice", *Zeitschrift für Altorientalische und Biblische Rechtsgeschichte*, 25: 103-128
- Riedel, B., 2008. *The Search for Al Qaeda: Its Leadership, Ideology and Future*. Washington D.C.: The Brookings Institution Press.
- RIMAP 2=A.K. Grayson, 2002. *The Royal Inscriptions of Mesopotamia Assyrian Periods*, vol. 2, Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC I (1114-859 BC), University of Toronto Press.
- RIMAP 3=A.K. Grayson, 2002. *The Royal Inscriptions of Mesopotamia Assyrian Periods*, vol. 3, Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II (858-745 BC), University of Toronto Press.
- RINAP 5/1= Jamie Novotny and Joshua Jeffers, 2018. *The Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period*, vol. 5,



- the Royal Inscriptions of Ashurbanipal (668-631 BC), Aššur-Etel-Ilani (630-627 BC), and Sin-Šarra-Iškun (626-612 BC), Kings of Assyria, Part 1, Winona Lake, Indiana.
- Saggs, H. W. F., 1963. "Assyrian Warfare in the Sargonid Period", *Iraq*, Vol. 25, No. 2, pp. 145-154.
- THD: The Assyrian Dictionary, 1994, A. L. Oppenheim, E. Reiner and B. Kienast (eds.), vol. 21, the Oriental Institute, Chicago.
- The Old Testament, Book of Nahum, 1-3
- UNAMI/OHCHR. 2014. *Report on the Protection of Civilians in the Armed Conflict in Iraq: 11 September – 10 December* 2014: www.uniraq.org/www.ohchr.org
- UNESCO. 2015. *UNESCO Director General condemns destruction of Nimrud in Iraq*. March 6, 2015. <http://whc.unesco.org/en/news/1244>